

# تفسیر اصفه

ملا محسن فیض کاشانی

علی اوسط ناطقی

تحقیق:

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی

واحد احیاء التراث الإسلامی

تسلط بر ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی، از دانشمندان کم نظیر بوده، تألیفات و تصنیفات بسیاری در موضوعات و علوم مختلف دارد که به اصالت، عمق، تنظیم نیکو و استواری در معانی ستوده شده اند.

محدث بحرانی، صاحب حدائق (لؤلؤة البحرين/ ۱۲۵) ۸۹ کتاب و رساله از تألیفات او را فهرست کرده است و سید نعمة الله جزائری شوشتری، شاگرد او، آثار وی را نزدیک به دویست کتاب و رساله ذکر کرده است. (زهر الربیع / ۱۶۴)

محمد محسن بن مرتضی، معروف به فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ هـ) از عارفان، فیلسوفان، محدثان، فقیهان و مفسران شیعی و از نوابغ علمی قرن یازدهم است.

وی، به تعبیر علامه امینی: «علمدار فقه، پرچمدار حدیث، مشعلدار فلسفه، گنجینه عرفان و کوه عظیم اخلاق و امواج خروشان علم و معرفت است»

(الغدیر، ج ۱۱/ ۳۶۲) وی، که در جامعیت و گستردگی دانش و

## \* تفسیر اصفی

این کتاب، یکی از سه اثر تفسیری فیض است: تفسیر مبسوط وی، «صافی»، خلاصه آن «اصفی» و تلخیص آن «مصفی». مؤلف، در مقدمه تفسیر «صافی» با اشاره به انواع تفسیر نگاری و نقد بعضی از تفسیر نگاریها که توجه به تعالیم اهل البیت (ع) ندارند، از تفاسیری سخن می گوید که با اخبار قرآن را تفسیر کرده اند.

آن گاه یاد آور می شود که: این گونه تفاسیر نیز، از کاستیها و ناهنجاریها به دور نیستند. این گونه تفاسیر، یا کامل نیستند، یا تمام آیات را تفسیر نکرده اند. برخی نیز سرشارند از اخبار ضعیف و در بعضی دیگر روایاتی آمده بی ارتباط با موضوع، بدون تدوین شایسته و ترتیبی نیکو.

افزون بر اینها، در این تفاسیر، روایاتی راه یافته است مشتمل بر تأویلات ناشایسته و مطالبی باطل، همانند نسبت عصیان و سفاهت به انبیاء. بالأخره در این تفاسیر گاه روایات به ظاهر متضادند و مفسر هیچ تلاشی برای رفع تضاد از این ظواهر به کار نبسته است.

بعد می نویسد:

«به هر حال من تاکنون، در میان تفاسیر با همه گستردگی تعداد آنها، تفسیری مهذب و پیراسته از ناهنجاریها با بیانی کافی که تشنگان را سیراب کند،

نیافته ام و امیدوارم این تفسیر، همانی باشد که انتظار می رود»

در مقدمه دوازدهم، روش تفسیری خود را توضیح می دهد، که روش تفسیر روایی را برگزیده است. (تفسیر صافی، ج/ ۱۵۱- ۶۶) مؤلف در خطبه تفسیر اصفی می نویسد:

«این تفسیر را از تفسیر دیگرم [صافی] برگزیدم و در نگارش آن، نهایت ایجاز را همراه با گزیده گویی پیشه ساختم و آن را از زواید پیراستم. در تفسیر آیات، به بیان آیاتی که نیازمند توضیح بودند اکتفا کردم و از تفسیر آیات محکمت و واضحات که بی نیاز از تفسیر و توضیح بود در گذشتم و آن را «اصفی» نامیدم. آیات را بر اساس کلام معصومین (ع) تفسیر کردم؛ زیرا قرآن در خانه آنها نازل شده و هیچ کس بر اسرار تفسیر و تأویل این کتاب، جز آنان که مخاطب وحی بوده اند واقف نیست.»

آن گاه به روش تفسیری کتاب پرداخته، می نویسد:

«آنچه را که از کلام معصومین (ع) در تفسیر یافتم، بدون ذکر نام، واژه های «قال» یا «ورد» یا «فی روایة» رادر آغازش نهادم و اگر برای تلخیص و یا توضیح در روایت تصرف کردم، با

قرآن کم فایده، کم ارزش و بی ثمر خواهد بود. «  
مفسر کبیر علامه طباطبائی، صاحب المیزان درباره فیض و روش تفسیری او و دیگر آثارش، نوشته است:

«این مرد جامع علوم است و به جامعیت او در عالم اسلام کمتر کسی راسراغ داریم. و ملاحظه می شود در علوم مستقلاً وارد شده و علوم را با هم خلط نکرده است. در تفسیرهای: «صافی»، «اصفی» و «مصفی» که روش تفسیر روایی دارد، وارد مسائل فلسفی و عرفانی نشده است. در اخبار، کسی که کتاب «وافی» او را مطالعه کند، می بیند یک اخباری صرف است و گویی اصلاً فلسفه نخوانده است. در کتابهای عرفانی و ذوقی نیز از همان روش تجاوز نمی کند و از موضوع خارج نمی شود: «(مهرتابان / ۲۶)

به هر حال، تفسیر «اصفی» تفسیری است روایی و سودمند که با ایجاز تمام از صافی گزینش شده و اضافاتی نیز دارد که گویا مؤلف بعداً به آن رسیده است. مؤلف ۲ سال بعد از کتاب صافی (۱۰۷۶ هـ) آن را به پایان برده است. این کتاب، در ۲ جزء تألیف شده، جزء اول، شامل پانزده جزء اول قرآن، تا سوره کهف و جزء دوم، پانزده جزء

جمله «کذا ورد» بدان اشاره کردم. هر گاه از تفسیر علی بن ابراهیم قمی چیزی آوردم که منسوب به معصوم نیست، کلمه «قمی» را در آغاز آوردم، تا از دیگر روایات متمایز گردد و آنچه را از طریق عامه نقل کردم، با کلمه «روی» از روایات خاصه جدایش کردم و آنچه را که حدیث مورد اعتمادی بر آن نیافتم، در حد ضرورت از دیگر تفاسیر سود جستم.

او سپس در مقدمه کوتاهی مفسران را به یک نکته بسیار مهم، در تفسیر قرآن و جمع بین اخبار و روایاتی که به نظر بدوی متناقض اند، توجه می دهد و می نویسد:

«شایسته است کسانی که قصد درک معانی قرآن را بدون تناقض و تضاد از اخبار دارند، در تفسیر و معنی قرآن، بر برخی افراد و مصادیق جمود نورزند، بلکه با تعمیم معنی و مفهوم بر همه افراد و آنچه می تواند مصداق باشد، چنانکه در بعضی روایات وارد شده، رفع تضاد و تناقض موهوم کنند.»

و با استشهاد به چند حدیث نتیجه می گیرد:

«اگر مقصود از معانی و مفاهیم قرآن، افراد خاص و موارد جزئی باشد،

در ۳۰۶ ورق، کتابت آن به تاریخ جمادی الثانی سنة ۱۰۸۱ انجام شده. روی برگ الصافی اول نسخه چنین آمده است:

هذا التفسیر المسمى بالأصفی کله بخط محمد هادی سبط أخی المصنف کله بلغ ذا مقابلة مع الاصل

در انتهای جزء اول و دوم دیده می شود.

با رمز «ج» مشخص شده است.

در جریان تحقیق و تصحیح، افزون بر مقابله و تطبیق نسخه ها، مقارنه و تطبیق منقولات با مصادر اصلی، از کتابهای تفسیری و حدیثی و لغت استفاده شده و تمام روایات و اقوال استخراج شده. و نشانیها باتکیه به منابع اصل عرضه شده است.

جلد اول این کتاب مطابق جزء اول به

سامان رسیده، زیر چاپ است.

جلد دوم مراحل نهایی تحقیق و تصحیح را می گذراند.

جا دارد در پایان به محققان و مصححان

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دست

مریزاد گفته از خداوند قادر منان برای آنان

توفیق طلب کنیم.

نیمه دوم قرآن را در بر می گیرد.

### «چاپهای تفسیر «اصفی»

تفسیر «اصفی» دوبار چاپ شده: به سالهای ۱۲۷۴ و ۱۳۱۰، در حاشیه تفسیر صافی در سالهای ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ در یک جلد مستقل با چاپ سنگی.

(فهرست کتابهای چاپی عربی، خان بابا

مشار/۱۹۹)

اکنون به همت برخی از فاضلان در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، تحقیق و تصحیح آن به انجام رسیده است در آستانه نشر است.

تحقیق این اثر بر اساس سه نسخه به انجام رسیده است:

۱. نسخه چاپ سنگی آن به سال ۱۳۵۳

- ۱۳۵۴، به خط محمد علی

مصاحبی نائینی، متخلص به «عبرت»

در بعضی حواشی آن تصحیحاتی

دیده می شود که با رمز «ب» مشخص

شده است.

۲. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای

اسلامی که در سال ۱۰۸۹ و دو سال

قبل از فوت مؤلف تحریر شده در

حواشی آن تصحیح و علائم بلاغ

دارد و با رمز «الف» متمایز شده

است.

۳. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی